

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال سیزدهم - شماره پنجم - مرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۱

نگاهی جامعه‌شناسانه به تحولات طنز مکتوب از ابتدای انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) تا

ابتدای دهه نود (۱۳۹۲)

(ص ۱۷۶-۱۵۷)

سید جواد حیدری پورطراحان<sup>۲</sup>، مرادعلی واعظی<sup>۳</sup> (نویسنده مسئول)،

حبیب‌الله عباسی<sup>۴</sup>، محمد بهنام فر<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۷

#### چکیده:

هر اثر ادبی برآمده از جامعه خویش است؛ جامعه امکان تولید یک اثر ادبی را فراهم میکند و در عین حال شرایط، چارچوبها و محدودیتهایی وضع میکند. میان جامعه و اثر ادبی روابط علی و معلولی برقرار است؛ آثار ادبی بازتاب مستقیم یا غیرمستقیم رویدادها و مطالبات اجتماعی‌اند. آثار طنز به دلیل رویکرد انتقادی خود بازتابی بهتر و شفافتر هستند و در مطالعات جامعه‌شناسانه اهمیتی دوچندان دارند. پس از انقلاب اسلامی طنز مکتوب به رغم رشد نسبی دچار فراز و فرودهایی شد که برخی از عوامل اجتماعی در آنها دخیل بود. این عوامل بر سه مولفه اصلی نویسنده، اثر و مخاطب و همچنین بر مولفه‌های دیگر از جمله نوع، مضمون، قالب و نحوه ارائه اثر تاثیر می‌گذارند. این تحقیق می‌کوشد به شیوه توصیفی و استنباطی تاثیر عوامل اجتماعی را بر مولفه‌های ذکر شده در طنز اجتماعی این دوره با دیدگاهی جامعه‌شناسانه بررسی نماید.

**واژه‌های کلیدی:** طنز مکتوب، انقلاب اسلامی، نویسنده، مخاطب، محیط اجتماعی.

<sup>۱</sup> - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند (shahrbandebala@gmail.com)

<sup>۳</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند (myaezi@birjand.ac.ir)

<sup>۴</sup> - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی (h.abbasi@khu.ac.ir)

<sup>۵</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند (mbehnfar@birjand.ac.ir)

## **A sociological look at the changes in written humor from the beginning of the Islamic Revolution to the early nineties**

Seyyed Javad Heydari Pouratran<sup>۱</sup>, Murad Ali Vaezi<sup>۲</sup>

(corresponding Author), Habibullah Abbasi<sup>۳</sup>, Mohammad Behnamfar<sup>۴</sup>

### **Abstract**

Every literary work comes from people and society in its period. Therefore, in literary works, the observation and reception of events, events, and social demands can be observed more or less during the production period. Comic effects, from which criticism is usually based, reflects more and better on the disadvantages and problems of their societies, and they are important in sociological studies.

After the Islamic Revolution, written humor grew. Of course, during the years of this period, they were driven by factors and components, and sometimes they came close to parody or falsification. These factors can be divided into internal (external) and external (social and audience) groups that determine the type, theme, format and manner of presentation of humorous effects. This research tries to explore the influence of internal and external factors on the humor of this period with a sociological perspective in a descriptive and inferential way.

**Key words:** written satire, Islamic Revolution, writer, audience, social environment.

---

1 - PhD student in Persian language and literature at Birjand University (shahrbandebala@gmail.com)

2- Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Birjand University (m\_vaezi@birjand.ac.ir)

3- Professor, Department of Persian Language and Literature, Kharazmi University (habibabbasi45@yahoo.com)

4 - Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Birjand University (mbehnamfar@birjand.ac.ir)

## ۱- مقدمه

طنز چون از یک سو با نقد اجتماع همراه است و از سوی دیگر تبعات کمتری نسبت به سخن جد برای آفریننده آن دارد همیشه مورد توجه و استفاده شاعران و نویسندگان بوده است. طنز بسته به موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی در هر دوره با فراز و فرودهایی مواجه بوده است. موقعیت و فضای بسیار بسته و همچنان بسیار باز و رهای سیاسی یا اجتماعی شکل‌گیری طنز ارزشمند را مشکل می‌کند؛ فضای بسته، طنز را محتاط می‌کند و فضای بسیار باز طنز را به ورطه هجو میکشد و از رسالت خود دور میگرداند.

طنز پس از پیروزی انقلاب اسلامی بهترین موقعیت را برای رشد و بالندگی به دست آورد. طنز اجتماعی و سیاسی به عنوان عالیترین انواع طنز در سالهایی از این دوره به اوج شکوفایی و بالندگی خود رسید و نقش حقیقی خود را در نقد برای تغییر و اصلاح به بهترین شکل باز یافت. طنز در این دوره آینه‌ای است شفاف که واقعیت‌های جامعه و معایب اجتماعی را اغلب بهتر از آثار جد بازتاب می‌دهد و حتی تفسیر و تعبیر می‌کند. آثار طنز هر دوره بهترین اسناد و مدارک برای مطالعه جامعه‌شناسانه اند؛ آثار طنز پس از انقلاب اسلامی نیز از همین ویژگی برخوردارند.

طنز این دوره غالباً اجتماعی است و بسیاری از وقایع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در آن بازتاب یافته. وقایع و رویدادهای این دوره بسته به دیدگاه طنزپرداز، شیوه نقد او و فضا و شرایط اجتماعی در هر اثر به شکل و گونه‌ای خاص منعکس شده با این حال شباهتها و نقاط مشترکی نیز با هم دارند که نیازمند بررسی است. بررسی این بازتابها شیوه زندگی مردم، دغدغه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آنها، معضلات، مشکلات و مفاسد پیدا و پنهان جامعه در این دوره را برای ما بازگو می‌کند.

با توجه به آنچه گفتیم پرسشهای این تحقیق بدین قرار است:

۱. عوامل و رویدادهای اجتماعی موثر بر طنز این دوره کدامند؟
۲. عوامل اجتماعی چه تأثیری بر نویسنده، اثر و مخاطب دارند؟

### ۱-۱- پیشینه و روش تحقیق:

هرچند پژوهشگران و نویسندگانی چون رویا صدر در کتاب «بیست سال با طنز» و ساسان ولی زاده در کتاب «طنز هشتاد» طنز برخی از سال‌های این دوره را به صورت محدود از منظر جامعه‌شناسی بررسی نموده‌اند اما هیچ تحقیق مستقلی در این باب صورت نپذیرفته است.

با توجه به اینکه طنز پس از انقلاب بیش از سه دهه را در بر میگیرد و در طول این دوره بارها دچار فرازها و فرودها و تغییراتی شده، از سوی دیگر اغلب تغییرات بر اثر

فرایندهای سیاسی و بالادستی همچون تغییر دولت رخ میدهد میتوان دوره مورد نظر را به چند دوره کوتاه‌تر تقسیم کرد که بیشتر بر اساس عمر دولتها و رویکرد آنها بوده است:

- دوره اول؛ از پیروزی انقلاب تا ابتدای جنگ تحمیلی (از دولت بازرگان تا شهید

رجایی)

- دوره دوم؛ از آغاز جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۶۸ (دوره دولت میرحسین موسوی)

- دوره سوم؛ از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۶ (دولتهای پنجم و ششم به ریاست

اکبرهاشمی رفسنجانی)

- دوره چهارم؛ از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۴ (دولتهای هفتم و هشتم به ریاست محمد

خاتمی)

- دوره پنجم؛ از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۲ (دولتهای نهم و دهم به ریاست محمود

احمدی نژاد)

در نقد جامعه‌شناسانه یک اثر سه مولفه اصلی مولف، مخاطب و اثر با توجه به رویدادهای اجتماعی باید مورد بررسی قرار گیرد؛ ویژگیهای مولف از نظر دانش و جهان بینی در آفرینش اثر تاثیر دارد. همین ویژگیها در مخاطب به عنوان سفارش‌دهنده اثر و گیرنده پیام در آفرینش و نحوه ارائه آن تاثیرگذار است. جامعه هم بطور مستقیم بر مولف و مخاطب تاثیرگذار است هم بر اثر از لحاظ مضمون، سبک، قالب ادبی و چاپ تاثیر میگذارد.

## ۲-۱- تعریفی مختصر از فکاهه، هجو و طنز اجتماعی

در یک اثر طنز تاثیر جامعه و عوامل اجتماعی مشهود است هرچند در لطیفه، فکاهه و هزل شدت کمتری دارد. پیش از آنکه طنز این دوره‌ها را بررسی نماییم ابتدا باید به تعریفی مختصر از طنز و انواع آن که در این دوره‌ها با آنها مواجهیم بپردازیم.

طنز به معنی طعنه‌زدن و به استهزا از کسی سخن گفتن است. «طنز به نوع خاصی از آثار منظوم یا منثور ادبی گفته میشود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش میکشد.» (فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی: ص ۱۴۰)

اثر طنز ویژگیهایی دارد از جمله «اغراق و بزرگنمایی زشتیها و مصایب، بیان تضادهای عمیق موجود با اندیشه یک زندگی عالی و مأمول و استفاده از شگردهای زبانی برای عرضه این نوع هنر مانند ایهام، استعاره تهکمیه، انواع مجازات برای خارج کردن زبان از حالت عادی و دریافت مفهوم طنز از قبل آن.» (سبک‌شناسی قطعات طنز سلمان ساوجی، تسلیمی: ص ۵۹)

طنز انواعی دارد که عبارتند از هجو و هزل و فکاهه. «در هجو اغراض کاملاً فردی است و شعر از هرگونه آرمانخواهی اجتماعی تهی میباشد. همین نکته میان هجو و طنز فاصله

میگذارد.» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۵۳۵) انگیزه خنده در مطایبه نه مانند هجو اغراض شخصی است نه مانند طنز به دنبال اصلاح و بیداری و نه مثل هزل مضمونی خلاف ادب و زبانی رکیک دارد. «مطایبه پر خاشگر نیست. کمتر ذهنی است و بیشتر بر رفتارهای غریب، نقاط ضعف و بلاهت‌های اخلاقی نظر دارد.» (فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی: ص ۲۱۷)

طنز در عالیترین شکل خود دلسوزانه و به دنبال اصلاح و ارشاد اجتماعی است؛ می‌خواهد وضعیت کنونی را که به نظر نادرست می‌آید دگرگون نماید. «وضع موجود ارتباط تنگاتنگی با سنت دارد. طنز اجتماعی سنت گریز و یا حتی فراتر از آن سنت ستیز است.» (پژوهشی در تئوری و کارکرد طنز مشروطه، کرمی: ص ۷) هدف راستین این نوع طنز اصلاح پلیدی‌هاست (طنز، پلارد: ص ۵)

طنز اجتماعی «کلامی است گزنده، هشداردهنده در لباس ادب که دارای پنج شرط است:

۱. باید جنبه اجتماعی داشته باشد نه خصوصی
۲. لحنش انتقادی باشد
۳. هدفش اصلاح امور باشد.
۴. دارای نوعی ابهام باشد.
۵. کلمات رکیک در آن به کار گرفته نشده باشد.» (طنز و رسانه با تأکید بر طنز رادیویی، جعفری: ص ۱۹)

پس طنز اجتماعی علاوه بر نقد منصفانه دولتمردان، توانگران، ذی نفوذان جامعه به بیان انحرافات و ناراستیهای اجتماعی میپردازد و به اصلاح امور می‌اندیشد. (طنزگونه‌های ادب فارسی و انواع آن، حسینی کازرونی: ص ۱۰۱)

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- رویدادها و عوامل اجتماعی و سیاسی

جامعه زمینه‌ای است که همه مولفه‌های دیگر در آن طرح میشوند و تحت تاثیر آن هستند. پس از انقلاب اسلامی تضارب آرا و جدالهای سیاسی گسترش یافت. نمونه‌های طنز این دوره نشان از این جدالها و کشمکشها دارد:

«صورت مسئله: در بعضی از کمیته‌ها، بعضی از مردم را با افراد مسلح خود به محضر می‌برند و مجبور به امضای سند میکنند.

فرض اول: سند ملک تا وقتی سندیت دارد که توسط تفنگ ژ-۳ از درجه اعتبار ساقط نشده باشد.

فرض دوم: تفنگ ژ-۳ آن چنان تفنگی است که هر کار ازش بر می‌آید و از جمله می‌تواند در موقع لزوم نقش بنگاه معاملات ملکی را بازی کند.

حل المسائل: مطابق قانون اساسی، خانه و مسکن هرکس در امن و امان است مگر در مواردی که افراد مسلح او را به محضر ببرند.» (بیست سال با طنز، صدر: ص ۲۹)

جنگ تحمیلی هرچند آثار و تبعات زیانباری داشت اما باعث شد آن تشتت و گسیختگی جامعه بر اثر اتحاد مردم علیه دشمن واحد تا حد زیادی از بین برود و ثبات و آرامش در جامعه ایجاد گردد که زمینه برای پرداختن هنرمندان به تولید آثار فراهم شود. تبعات منفی جنگ هم مضمون اجتماعی مناسب را در اختیار ایشان قرار داد چرا که جنگ به عنوان یک پدیده اجتماعی خواه یا ناخواه، کم یا زیاد، تأثیر خود را بر روی هنرمند و اثر خواهد گذاشت.

«در آن انفجار

به معراج رفتند پیغمبران کوپنهای خوار بار

در آن ایستگاه

به مقصد رسیدند مردان کار

به مقصد رسیدند چندین زن خانه دار

و راحت شدند از صف نان و گوشت

به مقصد رسیدند چندین زن کارمند

و آن ماه، شهریه مهدکودک نپرداختند

ز گهواره تا گور، یک خط کوتاه سرخ

تهدمتن کجاست؟

که آید جوانمردی آموزد از پهلوانان این روزگار

جوانمردی آموز از پهلوانی که پیروز شد

بر آن کودک شیرخوار» (صلاحی، گزینه اشعار طنزآمیز: ۱۱۹ و ۱۲۰)

پس از پایان جنگ تحمیلی «مؤلفه‌هایی همچون پایان جنگ و خرابیهای ناشی از آن، محاصره اقتصادی و نابسامانیهای اقتصادی در سطح داخلی از یکسو و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و گشایش ناشی از پایان جنگ سرد در سطح بین‌المللی، سبب شدند تا توسعه‌گرایی اقتصادی به عنوان گفتمان مسلط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح شود.» (از هاشمی تا روحانی، باقری: ص ۷۷ و ۷۸)

در بخش فرهنگی سبک زندگی مردم تغییر یافت و ساده‌زیستی جای خود را به مصرف‌گرایی داد. کم‌کم مردم با تبلیغات به مصرف بیشتر تمایل پیدا کردند. همین عوامل به صورتی شتابزده باعث تغییر اوضاع اجتماعی در زمینه‌های مختلف شد. در این دوره

معضلاتی چون عدم توسعه متوازن، عدم تحقق برنامه‌های اقتصادی، افزایش نرخ ارز، شکاف طبقاتی، رشد جمعیت و افزایش بیکاری و احساس عدم عدالت اجتماعی نوعی احساس ناخرسندی در میان مردم علی‌الخصوص نسل جوان ایجاد کرد.

«آی... آقابان و خانمها!

در همان وقتی که در فکرید،

در همان وقتی که میدانم نمیدانید

«در چه هنگامی بگویم من»

«یک نفر دارد که دست و پای دائم میزند» در توی ویلایش!

او نمیداند «کرایه خانه» در دوش چیست!» (قند مکرر، ج ۱، نبوی: ص ۵۰)

اصلاح طلبان با رویکرد توسعه سیاسی، گفتمان، آزادی، مردم سالاری و جامعه مدنی، در انتخابات پیروز شدند. با پیروزی اصلاح‌طلبان تحولات اجتماعی دچار دگرگونی شد و فضای نسبتاً بسته و محدود دولت قبل شکسته شد. هرچند این تغییرات به نوعی افسارگسیخته مینمود، اما از طرفی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی، فرصتهایی برای گفتمان و تضارب آرا به وجود آورد.

رئیس جمهور وقت در عرصه داخلی به تبیین شعارهایی چون جامعه مدنی و مردم سالاری پرداخت و در عرصه خارجی تمام همت خود را برای تبیین و ترویج گفتمان «گفتگوی تمدن‌ها» به کار بست. بگونه‌ای که حتی نظرها نسبت به کشوری مانند ایالات متحده امریکا تلطیف شد.

«نظرتان در مورد بن لادن چیست؟ آیا موجود جالبی به نظر نمی‌رسد؟ آقای بن لادن اخیراً گفته است: «من به دنبال بمب اتمی هستم». از طرف دیگر از او شنیده ایم: «امریکاییها میخواستند مرا ترور کنند».

نتیجه گیری منطقی: امریکاییها آدمهای عاقلی هستند.

تفسیر قضایا: اگر شما جای امریکاییها بودید و احساس میکردید که یک موجودی میخواهد بمب اتمی تهیه کند تا شما را از بین ببرد با او چه میکردید؟» (یک فنجان چای داغ، نبوی: ص ۸۶)

در این میان بالا رفتن سواد و دانش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه، گسترش رسانه‌ها و ورود فضای مجازی به زندگی مردم باعث ایجاد تغییرات گسترده در سبک زندگی شد. به مرور آن یکدستی و یکپارچگی نسبی جامعه از میان رفت و گسیختگی فرهنگی و اجتماعی جای آن را گرفت. توجه به فردیت مهمترین ویژگی جامعه این دوره است که تنوع، پراکندگی و شخصی شدن موضوع را در طنز به دنبال دارد.

«میشود کسی بگوید از ابتدا اسمها را چه کسی تعیین کرده است؟ مثلاً چه کسی گفته الاغ یا خر؟ اگر آن کسی که اول بار روی ما اسم خر نمیگذاشت و نامان را میکردند پروانه و پروانه ها میشدند خر، واقعا اتفاقی می‌افتاد؟... آخر موجودی برود گرد شمعی بچرخد، این قدر نزدیکش بشود تا بال و پرش بسوزد و خودش هم فنا بشود اگر خر نیست پس چیست؟» (عاشقانه های یک الاغ خر، مهندس: ص ۷۳)

## ۲-۲- مولف

تولید کننده اثر علاوه بر آنکه از محیط پیرامون و عوامل اجتماعی تاثیر میپذیرد بسته به کارایی اثر بر محیط تاثیر میگذارد. علائق، جهانبینی مولف خودآگاه یا ناخودآگاه بر اثر وی تاثیر میگذارد.

مطابق فضای سیاسی در سالهای اول انقلاب، هنرمند هم به ورطه شعار و سیاستزدگی می‌افتد و بیشتر در او احساسات و هیجانات زودگذر دیده میشود تا عقل و منطق. معمولاً نویسنده یا سراینده طنز چون طنزپردازی حرفه ای نیست از سواد ادبی بهره چندانی ندارد؛ با ظرافتهای طنز آشنا نیست و کمتر از کنایه و ابهام در کلام استفاده میکند. از سویی ضوابط و چارچوبهای قانونی خاصی وجود ندارد تا طنزپرداز را در بیان سخن محدود نماید و از دیگر سو از هنر پوشیده سخن گفتن بی‌اطلاع است. بدین دلیل شیوه‌های بلاغی در طنز این دوره جایگاهی ندارد.

در سالهای ابتدایی جنگ طنزپرداز هنوز از صنف عوام فاصله نگرفته؛ فاصله فرهنگی با مخاطب ندارد؛ درک و فهم و دریافتش در حد درک و دریافت مخاطب است. معمولاً به دنبال القای اندیشه خود به خواننده نیست و طنز را بیشتر برای سرگرمی تولید میکند. اما به مرور با حضور نویسندگانی چون کیومرث صابری و جلال رفیع و تاثیر آنها بر نویسندگان دیگر هم سطح فرهنگی و دانش اجتماعی طنزپرداز ترقی مییابد و هم سلیقه و ذائقه مخاطب آماده پذیرش طنز فاخر سیاسی و اجتماعی دوره بعد میشود.

«ان شاء الله دهه دوم، دهه تولید بیشتر برای استقلال اقتصادی و قطع کامل ریشه‌های وابستگی است. (هاشمی رفسنجانی)

- پس ان شاء الله دهه دوم، دهه عمل به شعارهای دهه اول است!» (با اجازه، رفیع:

ص ۲)

در دوره سوم طنزپرداز از لحاظ سواد ادبی نسبت به گذشته ارتقا پیدا کرده است؛ با ظرافتهای طنز آشناست و در کلام خود از آرایه‌هایی همچون کنایه و ابهام استفاده میکند چون برای بیان کلام کاملاً آزاد نیست و ملزم به رعایت چارچوبهای اخلاقی و قانونی است. از سوی دیگر هدف تنها القای پیام نیست؛ کلام از محدوده زبان گذر کرده و به قلمرو



ادبیات وارد شده است. طنزپرداز این دوره چون از نظر علمی و فرهنگی از عامه مردم بالاتر است به جای آنکه خود را با سلیقه مخاطب همراه سازد سلیقه او را میسازد.

بطور کلی دو طیف طنزپرداز در دوره چهارم دیده میشود؛ یک طیف ادامه دهنده طنز دوره قبل است که در این دوره به مرور یا به حاشیه رانده میشود یا بالاجبار با طیف اصلی همراه میشود و طیف دیگر که از ابتدا جریان اصلی طنز را هدایت میکند. طنزپرداز این طیف هرچند از فرهنگ و دانش اجتماعی و سیاسی برخوردار است و داعیه روشنفکری دارد اما دانش و آموختن او عمق و وسعت زیادی ندارد؛ «هرچند وانمود میکند مخاطبش طبقه متوسط جامعه است و میخواهد با عامه مردم ارتباط برقرار کند اما در حقیقت خاطابش با روشنفکران جامعه است.» (سبک شناسی پارودی، نبوی: ص ۱۸۵) طنزنویس از طنز به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف خود استفاده میکند. اما این طنز به جای اصلاح و نقد دلسوزانه وسیله‌ای برای تخریب حریف سیاسی، انتقام و تشفی میشود و قربانی دعوای جناحی میگردد.

برخی از طنزنویسان این دوره بیش از آنکه طنزنویس باشند سیاسی‌نویس هستند و برخی دیگر نیز که در دوره‌های قبل طنز فاخر مینوشتند بر اثر جو سیاسی تغییر روش میدهند. بدینگونه طنز فاخر اجتماعی دوره قبل در مدت کوتاهی تبدیل به طنز سیاستزده و هجوگونه این دوره میشود.

«راهبرد برخورد با مخالفان: مخالفان آزادند، مگر اینکه بخواهند حرف مفت بزنند یا نفس مفس بکشند وگرنه حاجیت مخلص هرچی آزادی و مخالف هرچی پروژه خوشنوته.» (خبرنامه محرمانه، صدر: ص ۲۳)

نویسنده دوره پنجم ذهنیتی به شدت فردگرا دارد و «من» او اغلب یک «من» فردی است تا اجتماعی، سطح دانش مطلوبی دارد و نوعی روشنفکری خواه ناخواه در فکر و اندیشه او دیده میشود. بکلی از عامه جامعه منفک است و خود را برتر و بالاتر از جامعه پیرامون خود میبیند. گاه برای جامعه نسخه میپیچد و نسبت به رویدادها و وقایع دید و نگاه خاص خود را دارد و میکوشد جامعه را با این نگاه همراه سازد.

### ۲-۳- مخاطب

مخاطب از دو جهت در فرایند تولید اثر اهمیت دارد؛ اول از آن جهت که مستقیم یا غیر مستقیم سفارش دهنده اثر است و دوم از آن جهت که اثر را تحلیل و نقد میکند. آن را میپذیرد، بالا میکشد یا رد میکند و به فراموشی میسپارد.

مخاطب سالهای اول انقلاب نیز همچون مولف از عوام است و فرهیختگی ندارد. بنابراین مباحث مطرح شده در طنزهای این دوره به فراخور سلیقه و علاقه اوست که گرفتار جو سیاسی جامعه است و سطحی بودن آنها موجب عدم استقبال وی نمیشود.

اغلب مخاطبین طنز در ابتدای دوره جنگ نیز از قشر عوامند و مذاقشان با فکاهه سازگارتر است. امثال صابری تلاش میکنند ذائقه این قشر را تغییر دهند و موفق هم میشوند. هرچند در ستون نوشته‌های خود بیشتر با قشر فرهیخته و خواص که خوانندگان اصلی روزنامه‌ها هستند در ارتباطند. به مرور با ارتقای فرهنگی و علمی مخاطبین طنز، این قشر فرهیخته گسترش مییابد.

پس از جنگ به دلایلی از جمله تلاش مولف، شرایط اجتماعی و سیاسی و ارتقای دانش جامعه به مرور مخاطب طنز به سطحی از دانش و فرهنگ و فرهیختگی میرسد که از طنز اجتماعی و سیاسی در چارچوبهای اخلاقی و قانونی استقبال میکند و سلیقه خویش را همراه با نویسنده ارتقا میبخشد و کلام طنزپرداز را با ظرافتها و برخی پیچیدگیهایش درک و فهم میکند. مخاطب سنتی نیز همچنان برای سرگرمی از فکاهه استقبال میکند.

مخاطب جریان اصلی طنز در دوره اصلاحات عموماً اهل طنز نیست بلکه علاقمند به یک طیف سیاسی است که خواسته‌ها و سخنانی را که به دنبال شنیدن آن است با زبان طنز در ستون روزنامه‌ها مییابد. او نیز درگیر جو و هیجانات خاص است و حداقل دانش و ذوق ادبی چندانی ندارد. مخاطب سنتی طنز و مخاطب طنز اجتماعی فاخر در این دوره طنز چندانی مطابق سلیقه خود نمیبینند.

در دوره پنجم مخاطب مانند طنزپرداز دارای «من» فردی است تا اجتماعی. در این دوره هم مخاطب عام و هم مخاطب خاص دیده میشود که البته هر مخاطب آرمان، عقیده، اندیشه و سلیقه خاص خود را دارد. از این رو تقریباً تمام آثار طنز این دوره مورد استقبال واقع میشوند.

#### ۴-۲- اثر

هر اثر دارای دو بعد ساختار و محتوا است و این دو بعد در انتخاب نحوه ارائه اثر و رسانه ای که وسیله انتقال پیام اثر است نقش دارند.

#### ۴-۲-۱- ساختار

##### ۴-۲-۱-۱- قالب

قالب طنز در دوره اول بیشتر نثر است چرا که نویسنده به دنبال رساندن پیام به سریعترین و راحتترین شکل است زیرا شعر هم برای نویسنده در تولید و هم برای مخاطب در دریافت دشوارتر است. اگرچه شعر نیز کمابیش دیده میشود اما از نثر ضعیفتر است. اما در دوره دوم از هر دو قالب شعر و نثر استفاده میشود و به شعر بیشتر از دوره گذشته توجه میشود چرا که شعر نسبت به نثر جنبه سرگرمی بیشتری دارد و مخاطب را با خویش بیشتر همراه میسازد. در شعر دست طنزپرداز برای تفنن و ظرافتهای هنری بازتر

است و چون طنزپرداز در لطیفه و فکاهه مجال بیشتری برای تفنن دارد از قالب شعر استفاده میکند.

هر دو قالب نثر و شعر در دوره سازندگی متداول است با این تفاوت که نثر قالب اصلی و شعر فرعی است. نثر بیشتر برای طنز اجتماعی و شعر برای فکاهه به کار میرود. با این حال میتوان اشعاری قوی در آثار طنز این دوره یافت که موضوع آنها طنز اجتماعی فاخر باشد. در دوره اصلاحات قالب اصلی طنز نثر است و شعر طنز محدود میشود چرا که نه نویسنده وقت و فرصت قافیه‌پردازی و شعرگویی دارد و نه خواننده که به دنبال طنز سیاسی صریح و مستقیم است.

هر دو قالب نثر و شعر در دوره پنجم دیده میشود اما شعر در این دوره مورد توجه بیشتر است. علت اصلی آن هم دور شدن شعر از مضامین جدی اجتماعی و پرداختن به مضامین فردی است. بیشتر طنزپردازان این دوره صاحب آثار متعدد شعر طنز هستند. ترجیح طنزپردازی که قدرت و استعداد شاعری دارند بر سرودن شعر طنز است.

یکی از ویژگیهای شعر طنز در کتابهای این دوره دور شدنش از زبان معیار است. البته این ویژگی در تمام اشعار طنز دیده نمیشود اما فراوانی آن نسبت به دوره‌های قبل بسیار بیشتر است. به نظر میرسد طنزپردازان از این روش برای ایجاد صمیمیت بیشتر با مخاطب استفاده کرده‌اند اما همزمان فخامت و اعتبار شعر را تنزل داده‌اند.

«یه نکته‌ای می‌گم که یادت نره  
لیسانس خوبه، ولی سواد بهتره  
میگی فلانی که باباش وزیره  
روزی هزار دفعه برات می‌میره  
برای سرکار که بابات عوامه  
فکرای اینجوری خیال خامه  
آخه بابا اون که باباش وزیره

مگه خله بیاد تورو بگیره؟» (محکمه الهی، جوادی: ص ۸۲)

نثر در این دوره هم دیده میشود اما دیگر نه آن فروغ دوره سوم و نه آن شور و هیجان دوره چهارم را دارد.

۲-۱-۴-۲- نوع:

بنیاد طنز در دوره اول بر پایه هجو است چرا که در سهم خواهی و دعوای میان گروههای سیاسی هجو به عنوان سلاحی برای تخریب شخصیت استفاده میشود. در سال اول از آنجایی که نه قانونی برای مطبوعات تصویب شده بود و نه دولت مجالی برای پرداختن به کار مطبوعات داشت، نشریات جدیدالخلقه طنز با فراغ بال و آزادی کامل

هر آنچه خواستند نوشتند و چاپ کردند. لاجرم بیشتر آنچه به وجود آمد هجو بود تا طنزی فاخر. این روند تا اجرای قانون مطبوعات در شهریور ۱۳۵۸ ادامه یافت. زبان این نوع طنز، ساده، بدون پیچیدگی و عاری از جنبه‌های ادبی است.

در دوره دوم دو نوع کلی طنز دیده می‌شود؛ فکاهه و طنز اجتماعی. پس از پایان دوره هجونویسی و دوره رکود پس از آن اغلب طنزنویسان رو به فکاهه آوردند. معمولاً پس از پایان هر دوره هجو، فکاهه که کم‌تبعات‌ترین نوع طنز است رونق می‌یابد. از این رو فکاهه ادامه منطقی هجو است. نوع دیگر طنز این دوره طنز اجتماعی است که بندرت مضامین سیاسی را نیز شامل می‌شود. طنز اجتماعی در آغاز محدود است اما به مرور گسترش می‌یابد و در دوره بعد جایگاه خود را به عنوان طنز فاخر و قابل اعتنا پیدا می‌کند. پیشگام این نوع طنز علی‌الخصوص در طنز سیاسی کسانی چون جلال رفیع و کیومرث صابری با ستونهای «با اجازه» و «دو کلمه حرف حساب» هستند.

«رئیس‌جمهور در پاسخ این سؤال که دلیل حضور هواپیمای نظامی آمریکا در ایران چیست گفت: «روزنامه‌ها دنبال جنجال می‌گردند.» و از عجایب اینکه پیداش هم میکنند!!» (دو کلمه حرف حساب، صابری فومنی: ص ۱۷۶)

دوره سازندگی دوره شکوفایی و اوج طنز اجتماعی و سیاسی است؛ با تلاشهایی که از سالهای قبل صورت گرفته طنزی فاخر تولید می‌شود و با اینکه با فراز و فرودهایی ممکن است مواجه شود اما به سرعت رشد و پیشرفت می‌کند زیرا هم فضای این دوره برای طنز قاعده‌مند آماده و مهیا است و هم طنزنویسان خطوط قرمز را بخوبی می‌شناسند و این تعامل دوسویه باعث رشد کمی و کیفی طنز سیاسی و اجتماعی می‌شود.

جریان اصلی طنز دوره اصلاحات بر پایه هجو است. طنز سیاسی این دوره ظرافتهای یک طنز فاخر را ندارد و به خاطر باز شدن فضای سیاسی بیشتر به سمت هجو گرایش پیدا می‌کند. فضای این طنز شبیه فضای طنز پس از شهریور ۱۳۲۰ و بهمن ۱۳۵۷ است و رنگ و بوی جنجال به خود می‌گیرد. (بیست سال با طنز، صدر: ص ۲۴۰)

نماینده اصلی این نوع طنز را باید ابراهیم نبوی دانست؛ پیش از دوره اصلاحات طنز اجتماعی در بهترین جایگاه خود بود و ما در نشریاتی چون «گل آقا» با عالیترین شکل آن در دهه‌های اخیر رو برو بودیم. فضای نه چندان باز و نه چندان بسته در محیط نسبتاً آرام دوره سازندگی به همراه تعارضات اجتماعی بهترین زمینه را برای رشد و شکوفایی این نوع طنز فراهم آورده بود. این طنز آرام و نجیب بعد از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ ادامه نیافت یا لاقلاً در سایه طنز سیاسی طنزنویسانی چون ابراهیم نبوی گم شد. «نبوی سنت گل آقایی «گل آقا» را شکست در حالی که خودش جزء هیئت تحریریه «گل آقا» بود.» (طنز هشتاد، ولی زاده: ص ۷۴)

بدرستی نمیتوان گفت جریان اصلی طنز در دوره پنجم بر پایه کدامیک از انواع طنز است چرا که فکاهه، طنز اجتماعی و هجو همه در این دوره دیده میشود اما این قدر میتوان گفت پس از اوج و فرود طنز هجوگونه دوره قبل چه هجو و چه طنز اجتماعی این دوره صراحت و برندگی دوره‌های گذشته را ندارد و از این لحاظ همان چرخه منطقی فکاهه، طنز اجتماعی، هجو و دوباره فکاهه در اینجا نیز دیده میشود. با این تفاوت که طنز فلسفی و مبتنی بر تفسیر و نگاه شخصی و فردی بیشتر جای فکاهه را میگیرد.

«آقای خبرنگار کلی از نمایشگاه تعریف کرده بود. آخر سر هم نوشته بود، جالب است که بچه‌ها همه چیز دنیا را وارونه کشیده بودند. با شنیدن این جمله آیدا زد زیر خنده و رو کرد به معلم:

- عیب ندارد خانم! درست است که آقای خبرنگار نقاشیها را وارونه دیده، اما در عوض بچه‌ها توانستند راحت آنها را ببینند.» (دست زدن ممنوع، رضائی: ص ۱۱۸)

در این دوره طنز نسبت به دوره‌های گذشته در همه جهات اُفت محسوس دارد. برای این اُفت میتوان علتهای مختلفی برشمرد؛ از آن جمله طنززدگی بیشمار دوره قبل که هم مخاطب را دچار ملالت کرد و هم طنزنویسان را. طنز در این دوره در مرحله گذار است؛ یعنی علاوه بر آنکه نمیخواهد به فضای سیاستزده دوره قبل برگردد به دلیل تغییر مقتضیات زمان به دوره درخشان قبلتر نیز نمیتواند بازگردد. از این رو این دوره را میتوان دوره سرگردانی طنز دانست.

## ۲-۴-۲- مضمون

در دوره اول مهمترین مضامین طنز اشاره به معضلات اجتماعی عمدتاً با زبان فکاهه، طنزهای سخیف و مبتذل درباره شاه، اطرافیان و عوامل رژیم سابق، سهم خواهیهای سیاسی و تخریب و هجو گروه‌ها و دسته‌های عقیدتی و سیاسی مخالف بود.

اولویت مضامین طنز اجتماعی در دوره دوم با اقتصاد متمرکز دولتی و آثار و پیامدهای آن از جمله کمبود، گرانی و احتکار کالا، صفهای طولانی و کیفیت پایین کالاها است. معضلات و مسائل اجتماعی از جمله فرهنگ شهرنشینی، مشکل رفت و آمد، آلودگی هوا، کمکاری و عدم پاسخگویی دستگاهها از مسائل دیگری هستند که به آنها پرداخته میشود.

البته هنوز تا طنز فاخر اجتماعی دوره بعد فاصله دارد:

«طب سنتی!

گرانی و تورم کمر مردم را شکسته است. نماینده موافق (در بحث بودجه)

گرانی و تورم کمر مردم را شکسته است. نماینده مخالف (در بحث بودجه)

ما با یک متخصص ارتوپد جدید و یک شکسته‌بند سنتی تماس گرفتیم. گفتند: «حرف» و «شعار» را قاطی کنند به کمر بیمار بمالند، ببندند، فوت کنند، شکستگی خوب میشود.» (یادنامه کیومرث صابری، دفتر طنز: ص ۲۳۷)

مهمترین موضوع طنز اجتماعی دوره سازندگی همچنان مسئله اقتصاد است با این تفاوت که در این دوره با توجه به برخورداری عمدتاً نامشروع گروهی قلیل و محرومیت گروهی کثیر بحث عدم عدالت اجتماعی مورد گله و شکایت است. علاوه بر آن طنز در این دوره نسبت به دوره قبل به پختگی و کمال رسیده. در میان مسائل اقتصادی پر بحث‌ترین موضوع کاهش ارزش ریال در برابر دلار و نوسان قیمت ارز است. در میان مسائل سیاسی نیز بیشتر عدم کفایت، ناکارآمدی و بی‌توجهی مسئولین مورد بحث است. نمونه‌ای از طنز این دوره با مضمون عدالت اجتماعی:

«مردم» «بالا دست»

خانه‌هاشان چه جلایی دارد!

و هواشان، چه هوای ملسی!

باغشان غرق گل است

عاری از خار و خسی!

لیک ...

مردم «پایین دست»

خانه‌هاشان تنگ است

زندگیشان لنگ است

کاسه‌شان بی آب است

نانشان هم سنگ است!

آب را ول نکنیم!

مردم «بالادست»

آب را میبلعند

مردم «پایین دست»

آب را میفهمند.» (قند مکرر، صابری: ص ۱۷۵ و ۱۷۶)

در دوره اصلاحات مضمون واحد جریان اصلی و غالب سیاست است. اگر نقدی هم باشد نقد بر عملکرد یک جناح سیاسی از نگاه جناحی دیگر است:

«مشخصات گروه‌های اقتصادی:

۱. غارتگر بیت المال [نماینده بیست میلیون نفر]:

- آدم باهوشی است.

- طرفدار آزادیهای سیاسی و مطبوعاتی است.
- مورد علاقه مردم است.
- برای اثبات ادعایش دلیل می‌آورد.
- موقع حرف زدن تیق نمی‌زند.
- روزانه بیش از دوازده ساعت کار می‌کند.
- خوش قیافه است.
- ۲. طرفدار محرومین [نماینده هفت میلیون نفر]:
- موقع سخنرانی عصبی میشود و جیغ جیغ میکند.
- دیپلمش را با معدل ۱۰/۲۱ گرفته است.
- با آزادی مطبوعات، دموکراسی، آزادی بیان و انتخابات مخالف است. (چهلستون، نبوی: ص ۴۰ و ۴۱)

در دوره پنجم آثار طنز از حیث مضمون دچار کثرت و تعدد هستند؛ یعنی انواع موضوعهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با دیدگاههای مختلف در آثار طنز این دوره دیده میشود. در این دوره خبری از تمرکز و اجماع نیست و هر طنزپردازی به سوزهای مورد نظر خود میپردازد و اتفاق نظری وجود ندارد.

نمونه ای از طنز این دوره:

«آقای کپورچالی: من میگویم به نوه‌هایت بگو بیایند و از ما یک کلیپ بسازند... اصلاً یک آلبوم میدهیم بیرون یک ترانه درباره جردن، یک ترانه درباره اینکه هرچه بد و بیراه به ذهنت میرسد نثار معشوق کنی. چند شب پیش من داشتم یک ترانه گوش میکردم، فقط فحش خواهر و مادر نداده بود.

آقای مؤیدی: تازه تو نمیدانی دخترها چه کیفی میکنند یکی بهشان بد و بیراه بگوید. نوه من یک سی‌دی را هشتاد بار در روز گوش میدهد. دقت کردم دیدم طرف میگوید: هزار و یک رنگی عزیز/ دروغ و نیرنگی عزیز/ تیکه بودی روی دلم/ گندیدی و بریدمت.

آقای روشن ضمیر: مد است؛ اینکه معشوق را به لجن بکشی مد است؛ به اصطلاح جواب میدهد.» (قلندران پیژامه پوش، میرفتاح: ص ۱۷۲ و ۱۷۳)

### ۳-۴-۲- رسانه

موثرترین رسانه طنز در دوره اول نشریات طنز هستند. در این دوره گروهها و اقشار مختلف که طنز را سلاحی کارا برای پیشبرد اهداف خویش میدانستند؛ هر یک به صورت جداگانه اقدام به چاپ نشریه‌ای طنز کردند تا جایی که به سرعت بیش از سی نشریه پدید آمد و به چاپ رسید. این از پیامدهای تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی است. بسیاری از

نشریات این دوره پس از چاپ چند شماره یا توقیف شدند یا به دلیل مسائل مالی و کمبود کاغذ تعطیل شدند و دوباره طنز به رکود گرایید. دلایل زیر نیز در این رکود اثرگذار بود:

۱- پرهیز از طنز به دلیل ترس از تقابل ناخواسته با مصالح انقلاب اسلامی و بیم طنزپردازان متعهد از اینکه مبدا ناخواسته آب به آسیاب دشمن بریزند.

۲- محافظه کاری برخی از طنزپردازان که بسیاری از آنان را تا مدتها به سکوت سنگینی وادار نمود. (طنز و رسانه با تأکید بر طنز رادیویی، جعفری: ص ۷۴)

این دوره به دلیل شرایط انتقال قدرت دوران گذار است و تغییرات در آن به سرعت رخ میدهد؛ پس طبیعی است که مجال چندانی برای چاپ کتاب نیست. کتاب چون نیازمند صرف وقت بیشتری نسبت به مجله و روزنامه است برای طنزنویس این دوره کاربرد چندانی ندارد. البته برخی طنزنویسان نیز که علاقه ای به مسائل سیاسی ندارند و یا از تبعات هجو سیاسی میترسند ترجیح میدهند در قالب کتاب به فکاهه بپردازند. در این دوره چاپ کتاب بسیار محدود است که از جمله میتوان به سه منظومه «کتاب موسی»، «کتاب ابراهیم» و «کتاب علی» به قلم ابوتراب جلی اشاره کرد که بازنشر این سه از نشریات طنز قبل از انقلاب است.

افول طنز هجوآمیز در پایان دوره قبل و تعطیل شدن بسیاری از مجله‌ها و هفته نامه‌های طنز باعث شد در دوره دوم چاپ طنز در قالب کتاب بیشتر شود. از آنجا که فکاهه محدود به زمان خاصی نیست و به اصطلاح تاریخ مصرف ندارد با قالب کتاب سازگاری بیشتری دارد اما موضوعهای سیاسی و اجتماعی مربوط به وقایع و رویدادهایی است که هیچیک پایدار نیستند و نیازمند قالبی هستند که پیام را با سرعت بیشتری به مخاطب انتقال دهد. برای همین است که امثال صابری ستون روزنامه‌ها را برای انتقال پیام خود بر میگزینند.

مهمترین کار صابری پرداختن به مسائل سیاسی و طنزنویسی در این زمینه بود بدون آنکه از خط قرمزهای موجود پا را فراتر بگذارد یا به گونه‌ای بنویسد که مقام مسئولی را بیش از حد برنجاند. برای انجام این کار کسی بهتر از صابری پیدا نمیشد چون او مدتی هرچند محدود مشاور نخست‌وزیر وقت، شهید رجایی و پس از آن رهبر انقلاب شد که در آن هنگام رئیس‌جمهور وقت بودند. (شگردهای طنز ساز در دو کلمه حرف حساب، ایران زاده: ص ۷) صابری از آن جهت که با سیاست حشر و نشر داشت باید‌ها و نباید‌ها را بخوبی درک و رعایت میکرد. او هم میدانست نشر مطالب مربوط به سیاست روز نیازمند رسانه ای فراگیر و بروز چون روزنامه است و از سوی دیگر واقف بود که روزنامه مهمترین رسانه مکتوب نزد اهل سیاست است.



در میان نشریات غیر طنز میتوان نشریه «نیستان» به مدیر مسئولی سیدمهدی شجاعی را مثال زد. دو صفحه طنز «بخش نسوان» به قلم شجاعی و «دیپلمات نامه» به قلم یوسفعلی میرشکاک در این نشریه از بهترین و فاخرترین طنزهای اجتماعی و سیاسی دهه هفتاد است.

«بسم الدلار الذی لیس کمثلہ الریال الذی غربل المسلمین بغربالہ و رفع الکفار بمکیالہ، یا ایہا الذین آمنوا بالدلار دعوا ملتکم الناسخه و تعالوا الی صراط الراحه فاعملو یا معشر الناس:

لیس شیء للبنی آدم یفید

جز همان که آید از کاخ سفید...» (دیپلمات نامه، میرشکاک: ص ۸۰)

چاپ کتاب طنز در این دوره معمول و متداول است. تعداد کتابهای چاپ شده این دوره در حوزه طنز نشان دهنده استقبال مخاطبین است. بسیاری از این کتابها برگزیده آثار طنز چاپ شده در نشریات همین دوره است.

در دوره اصلاحات چون تحولات سیاسی به سرعت رخ میدهند بهترین رسانه برای عقب نماندن از آنها روزنامه است. طنزنویس سیاسی نیز بخوبی از این رسانه برای انتقال پیام استفاده میکند. ستون روزنامه‌هایی همچون توس، جامعه، نشاط و عصر آزادگان از مهمترین ستونهای طنز سیاسی این دوره است. بخش قابل توجهی از کتابهای طنز این دوره بازنشر طنزهای اول بار چاپ شده در ستون روزنامه‌ها یا صفحه طنز نشریات فرهنگی و اجتماعی است. از میان این کتابها میتوان به کتابهای «ستون پنجم»، «بی ستون» و «چهلستون» نبوی و دو کتاب «دیپلمات نامه» میرشکاک و «رزیتا خاتون» شجاعی اشاره کرد.

«فساد و فحشا فی نفسہ بد نیست منتہا متأسفانہ اسمش بد در رفتہ، ما اصولاً با محتوای فساد که مخالف نیستیم، با اسمش مخالفیم. مثل خیلی از تحولات دیگری که در زمینه تغییر نام واقع شد باید در این مورد هم تجدید نظر بشود. همین بهره را شما در نظر بگیرید؛ ببینید در سابق چقدر این بهره حرام بود ولی از وقتی به کارمزد تغییر نام داد واقعاً چقدر فرق کرد. الان نه تنها حرام نیست، چه بسا استحباب هم داشته باشد.» (رزیتا خاتون، شجاعی: ص ۴۴)

در دوره پنجم تقریباً هیچ اثری از نشریات و مجلات طنز نیست. در ستون مطبوعات هم طنز قابل اعتنایی دیده نمیشود چون این رسانه‌ها کارایی خود را برای انتقال پیام از دست داده‌اند. بیشتر طنزپردازان ترجیح میدهند آثار خود را در قالب کتاب چاپ کنند. به مرور طنزپردازان متوجه فضای مجازی میشوند.

در میان کتابهای چاپ شده این دوره میتوان کتاب «فلندران پیژامه پوش» را نام برد که گردآوری شده از مطالب ستون «کرگدن‌نامه» سیدعلی میرفتاح در روزنامه «شرق» است. میرفتاح هرچند از نقدهای تند و سیاسی در طنز خود پرهیز میکند اما اثر او حاوی نگاه دقیق و منتقدانه به جامعه دوره خویش است.

### ۳- نتیجه

آثار طنز پس از انقلاب اسلامی بیش از دیگر آثار ادبی تحت تاثیر جامعه و عوامل اجتماعی است چراکه سر و کار مستقیم آنها با جامعه و نقد معضلات اجتماعی است. مولف هم در دانش، عقاید و باورها از جامعه تاثیر میپذیرد و هم بر اثر ضرورتها در هنگام تولید اثر. مخاطب نیز به عنوان بخشی از جامعه و سفارش دهنده اثر علاوه بر تاثیر پذیرفتن از جامعه بر اثر تاثیر میگذارد. هرگاه ثبات نسبی بر جامعه حاکم بوده مولف و مخاطب رشد یافته و اثری قابل اعتنا شده چنانکه در دوره سوم میبینیم و هرگاه ثباتی نبوده و یا جامعه دستخوش تغییرات پیاپی بوده مولف و مخاطب آسیب دیده و اثر نیز دچار افت شده چنانکه در دوره اول و چهارم میبینیم.

جامعه و مخاطب علاوه بر اینکه محتوا و مضمون اثر را تعیین میکنند فرم و ساختار اثر را نیز تعیین میکنند و یا به مولف پیشنهاد میدهند. در ساختار یک اثر طنز میتوان به بافت متن از لحاظ نثر و شعر و نوع طنز توجه داشت؛ معمولاً جنبه سرگرمی و تفنن در بافت شعر بیشتر و اولویت در آثار شعر طنز با سرگرمی و هنرنمایی است. در دوره پنجم این اولویت دیده میشود.

از لحاظ نوع هرگاه محدودیتهای اجتماعی زیاد باشد یا مخاطب و مولف شرایط را برای طنز نقادانه مناسب ندانند طنز به فکاهه نزول میکند مطابق فضای دوره دوم و اواخر دوره چهارم و هرگاه محدودیتهای اجتماعی نسبی و قابل تحمل باشد و همچنین ثبات در جامعه همراه با معضلات و مشکلات عمیق ساختاری طنزی ساختارمند، منتقد و اصلاحگر مانند طنز دوره سوم میسازد. هرگاه محدودیتهای اجتماعی موجود نباشد یا ضعیف باشد و یا نوعی بی‌ثباتی بر جامعه حاکم شود طنز به سوی هجو سقوط میکند چنانکه در دوره اول و چهارم میبینیم.

جامعه و عوامل اجتماعی رسانه و مدیومی را هم که طنز به وسیله آن ارائه میشود تعیین میکند. قالب کتاب مختص شرایط ثبات است یا طنزی که به مباحث کلی میپردازد. قالب مجله مختص مضامین روز است و مخاطب خاص و پایدار میطلبد و بهترین دوره آن دوره دوم و سوم است. روزنامه نیز مختص شرایط ملتهد سیاسی و اجتماعی و تغییرات سریع است همچون دوره چهارم.

با بررسی آثار طنز پس از انقلاب به این نتیجه می‌رسیم که شرایط اجتماعی به عنوان عامل اصلی و مخاطب به عنوان عامل فرعی در شکل‌گیری، نحوه تولید و ارائه و رشد طنز نقش دارند. آثار طنز به عنوان نقدی بر جامعه می‌توانند کم و کاستیها و معضلات اجتماعی این دوره را دریابند و نقد و تحلیل کنند.

### فهرست منابع:

- از هاشمی تا روحانی؛ بررسی سیاست خارجی ایران، باقری دولت آبادی، علی، شفیعی سیف آبادی، محسن، ۱۳۹۵، چاپ دوم، تهران: انتشارات تیسرا.
- با اجازه، رفیع، جلال، ۱۳۶۷، روزنامه کیهان، ش ۱۳۵۳۹، (ص ۲).
- بیست سال با طنز، صدر، رویا، ۱۳۸۱، چاپ اول، تهران: هرمس.
- پژوهشی در تئوری و کارکرد طنز مشروطه، کرمی، محمدحسین، ریاحی زمین، زهرا، دهقانیان، جواد، ۱۳۸۸، پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، (صص ۱۶-۱).
- چهلستون، نبوی، سید ابراهیم، ۱۳۷۹، چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- خبرنگارانه محرمانه، صدر، رویا، ۱۳۷۹، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- دست زدن ممنوع، رضائی، محمد، ۱۳۸۷، چاپ اول، تهران: توسعه کتاب ایران (تکا).
- دو کلمه حرف حساب (سال های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸)، صابری فومنی، کیومرث، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- دیپلمات‌نامه، میرشکاک، یوسفعلی، ۱۳۷۴، ماهنامه نیستان، سال اول، شماره ۶ و ۷، (صص ۸۰ و ۸۱).
- رزیتا خاتون، شجاعی، سیدمهدی، ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران: کتاب نیستان.
- سبک‌شناسی پارودی در آثار طنزآمیز سیدابراهیم نبوی، حاجی مرادخانی، نیلوفر، پشتدار، علی محمد، گرجی، مصطفی، حاجی مزدرائی، تابستان ۱۳۹۴، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۲۸، (صص ۶۵-۷۸).
- سبک‌شناسی قطعات طنز سلمان ساوجی با رویکرد جامعه‌شناسی ادبیات، تسلیمی، صفا، امرالهی بیوکی، افسانه، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۳۲، (صص ۷۳-۵۶).
- شگردهای طنزساز در دوکلمه حرف حساب کیومرث صابری فومنی (گل آقا)، ایران زاده، نعمت ... و زارع بنادکوک، نجمه، ۱۳۹۱، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۷۰، (صص ۳۲-۵).
- طنز و رسانه با تأکید بر طنز رادیویی، جعفری، فرشته، ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران: شبکه رادیویی فرهنگ.
- طنز، پلارد، آرتور، ۱۳۷۸، ترجمه سعید سعیدپور، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

- طنزگونه‌های ادب فارسی و انواع آن، حسینی کازرونی، سیداحمد، بهار ۱۳۹۰، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۱۱، (صص ۹۹-۱۲۰).
- عاشقانه‌های یک الاغ خر (اندیشه‌های فلسفی یک الاغ خر)، مهندس، امیرعباس، ۱۳۸۸، تهران: انتشارات شاسوسا.
- علل ظهور و افول اصلاح طلبان: تبیین جامعه‌شناختی جمشیدی، مهدی، ۱۳۸۸، مجله معرفت، سال هجدهم، شماره ۱۳۸، (صص ۳۳-۵۳).
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما، ۱۳۸۰، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مروارید.
- فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، اصلانی، محمدرضا، ۱۳۸۵، چاپ اول، تهران: انتشارات کاروان.
- قلندران پیژامه‌پوش، میرفتاح، سیدعلی، ۱۳۸۷، چاپ اول، تهران: نشر افق.
- قند مکرر، ج ۱، نبوی، سید ابراهیم، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران: انتشارات گل آقا.
- قند مکرر، ج ۳، صابری فومنی، کیومرث، ۱۳۷۷، چاپ اول، تهران: انتشارات گل آقا.
- طنز هشتاد: بررسی جایگاه طنز در دهه هشتاد، ولی زاده، ساسان، ۱۳۹۱، چاپ اول، تهران: نشر برداشت.
- گزینش اشعار طنزآمیز، صلاحی، عمران، ۱۳۸۶، تهران: انتشارات مروارید.
- محکمه الهی: مجموعه شعر طنز، جوادی، خلیل، ۱۳۹۱، چاپ اول، تهران: مؤلف.
- یادنامه کیومرث صابری فومنی (گل آقا)، دفتر طنز، ۱۳۸۴، چاپ اول، تهران: دفتر طنز حوزه هنری با همکاری مؤسسه گل آقا و جشنواره مطبوعات.
- یک فنجان چای داغ، نبوی، سید ابراهیم، ۱۳۷۹، چاپ دوم، تهران: انتشارات روزنه.